

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### صدمین نشست باشگاه قرآنی نور - تدبر در سوره مبارکه مریم - چگونه امتداد پیدا کنیم؟!

#### حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) - صحن جمهوری - رواق دارالهدایه

جلسه اول را که در محضر امام رضا (ع) هستیم، به فال نیک می‌گیریم. انشالله که این شروع، یک شروع خوبی باشد که همه از این سفر با یک کوله بار پری، برای خود و اهلمان، به شهر و دیارمان برگردیم. دوستان می‌دانند که صدمین نشست باشگاه قرآنی نور است و دست تقدیر صدمین نشست را در حرم علی بن موسی الرضا آورده است. خدا را شکر که حدود ۱۲ سال از برگزاری این جلسات می‌گذرد.

موضوع این نشست مان سوره مبارکه مریم است. البته همان طور که مستحضر هستید از دو نشست قبل، سوره مریم را شروع کرده‌ایم و این جلسه می‌خواهیم این سوره را جمع‌بندی کنیم. از فردا نیز محضر سوره مبارکه طه خواهیم رفت.

#### دغدغه تمام نشدن

شروع سوره مبارکه مریم با بحث حضرت زکریا است. حضرت زکریا خطاب به خداوند تبارک و تعالی درخواستی را مطرح می‌کنند. این درخواست مهمی است که می‌گویند: من نگران بعد از خودم هستم (وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي - آیه ۵). بالاخره ما آمده‌ایم، چند صباحی حرکت‌هایی انجام داده‌ایم، مبارزه با طاغوت و حقی را اقامه کرده‌ایم، پس از ما چه خواهد شد؟ این نگرانی را حضرت زکریا محضر خدا عرضه می‌کنند.

همه انسان‌ها نگران این موضوع هستند که بعد از خودشان چه می‌شود؟ انسان‌ها به دلیل روحیه بی‌نهایت طلبی تمایل به تمام شدن ندارند، لذا تمام تلاش خود را می‌کنند که تمام نشوند. البته هرکس در موضوعی می‌خواهد که تمام نشود؛ یک نفر ثروت دارد و به تمام نشدن آن فکر می‌کند؛ یک نفر اولاد دارد و فکر می‌کند بعد از من کسانی هستند که اسمم را ببرند؛ یک نفر دانشمند است، شاگرد تربیت می‌کند که بعد از خودش مسیرش تمام نشود؛ یک نفر مسجدی می‌زند یا موسسه‌ای تاسیس می‌کند که حرکتش بعد از خودش، تمام نشود. آدم‌ها دلایل مختلفی دارند که می‌خواهند تمام نشوند، چون دغدغه‌هایشان فرق می‌کند.

این دغدغه را انسان‌های الهی مثل حضرت زکریا هم دارند و فقط دغدغه انسان‌های عادی نیست. حضرت زکریا جریان حقی راه انداخته و پرچم توحید را بلند کرده است و نمی‌خواهد که این‌ها تمام شود. **دغدغه تمام نشدن، یک دغدغه عام بشری است و همه آن را دارند.** در آیات دیگر قرآن نیز وقتی خداوند با انسان‌های کافر هم صحبت می‌کند، می‌گوید

که آیا شما نگران بعد خود نیستید که چه می‌شود؟ آنجایی که می‌فرماید آیا یکی از شما دوست می‌دارد که بعد از او اولادش دچار مشکل شوند، اموالش از دست برود و چیزی بعد از او باقی نماند؟ اصلاً یکی از چالش‌های خداوند با انسان‌های کافر همین است. انسان بما هو انسان دغدغه امتداد دارد. اگر انسان مادی باشد، دغدغه امتداد در مورد امور مادی مثل ثروت را دارد و اگر انسان الهی باشد، دغدغه ادامه یافتن امور الهی و امتداد سنت حق را دارد.

## بی‌وارثی و بدوارثی، یکی از چالش‌های انسان‌ها در طول تاریخ

یکی از موضوعات اساسی که سوره مریم به آن اشاره می‌کند، موضوع **امتداد یافتن** است. امتداد چگونه شکل می‌گیرد؟ اصلاً در چه موضوعاتی آدم‌ها به دنبال امتداد هستند؟ ما این موضوع را با مفهوم **ارث** می‌شناسیم. انسان‌ها چه چیزی به ارث می‌گذارند و چه چیزی به ارث می‌برند؟ آیا وارثی دارند تا چیزهایی که از خود به جای می‌گذارند را به ارث ببرند؟ هم وطنان آذری‌مان را خدا رحمت کند؛ خیلی بینشان رایج است که برای بی‌وارث و بدوارث دعا می‌کنند. یکی از چالش‌های انسان همین است که نکند بی‌وارث یا بدوارث شود. یکی از حرف‌های سوره مریم همین است که چگونه انسان‌ها می‌توانند با وارث و خوب وارث باشند؛ اصلاً چیزی به ارث بگذارند و کسی باشد که ارثیه آن‌ها را ادامه بدهد.

برای اینکه ببینید که چقدر این موضوع جدی است، ابتدای سوره را ببینید که سوره با این موضوع شروع می‌شود. حضرت زکریا در ابتدای سوره می‌گوید من کسی را می‌خواهم که از من و آل یعقوب، این جریان را به ارث ببرد (بِرِثْتِي وَبِإِثْمِ آلِ يَعْقُوبَ - آیه ۶). مبادا جریانی که حضرت یعقوب شروع شده و از طریق فرزندانش به من رسیده، بعد از ما ادامه پیدا نکند. آخر سوره هم خداوند در جمع بندی می‌گوید: «چه بسیار اقوام گذشته که آیا صدایی از آن‌ها به گوش می‌رسد؟!» (وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿۹۸﴾). گوش بده؛ هیچ صدایی از آن‌ها در تاریخ نیست، نه چیزی به ارث گذاشتند و نه کسی بود که ارث آن‌ها را ادامه بدهد. چقدر آدم در طول تاریخ آمده‌اند که مانند ما زندگی کرده‌اند و دغدغه داشته‌اند، ولی از آن‌ها و جریانشان، هیچ صدایی به گوش نمی‌رسد؛ خیلی تکان دهنده و هولناک است.

من خیلی اوقات به این موضوع فکر می‌کنم که از گذشتگانم چه چیزهایی می‌شنوم؟ یا چرا چیزی نمی‌شنوم؟ آیا او دوست داشته که چیزی نشنوم؟ چجوری می‌شود که آدمی بشنود؟ من هم همین گونه می‌شوم! ۵-۱۰ سال بعد آدم‌ها یادشان خواهد بود؛ ۲۰۰ یا ۴۰۰ سال بعد چی؟! بالاخره نوعاً یک جایی تمام می‌شود. یک روزی آدم‌هایی روی زمین زندگی می‌کنند که هیچ اثری از من و شما نباشد، کانه که ما نیامده‌ایم؛ خیلی تکان دهنده است. هرچقدر دغدغه شما زیادتر باشد، این موضوع برایتان مهم‌تر می‌شود؛ یک وقت دغدغه شما این است که هزار سکه طلایتان یا چند کارخانه‌ای که زده‌اید باقی بماند؛ یک وقت هم می‌گویید من سنت مبارزه با طاغوت راه انداخته‌ام یا مانند حضرت ابراهیم منسک حج راه انداخته‌اید.

## راهکار سوره مریم برای نامیرایی

این شرح صورت مسئله بود، حالا ببینیم سوره مبارکه مریم چه جوابی به این سوالات می‌دهد. آیات سوره را که می‌خوانید، نکات جالب و صریحی در رابطه با این موضوع هست:

۱. خداوند در این سوره از انبیایی صحبت می‌کند که حدود ۱۰۰۰ سال قبل زندگی می‌کردند، اما یاد و خاطره‌شان همچنان باقی است و تمام نشدند. چرا؟ در این سوره می‌فرماید که چون آن‌ها نعل به نعل کتاب بودند. چرا که کتاب و حقایق کتاب ماندگار است و همیشه باقی می‌ماند، این‌هایی که شبیه کتاب بودند نیز ماندند. پس **انسان اگر می‌خواهد بماند، باید خود را به چیزی متصل کند که می‌داند ماندگار است، مثل کتاب. ما به اندازه‌ای که زندگی مان از کتاب خدا فاصله پیدا می‌کند، آن قسمت از زندگی مان میرا می‌شود و به اندازه‌ای که منطبق با کتاب خدا می‌شود، نامیرا می‌شود.** مشکل این است که ما همه ابعاد زندگی مان مستند به کتاب نیست، نهایتاً دو سه کارمان انطباق با کتاب دارد و بقیه زندگی مان لزوماً انطباقی ندارد و میرا هم می‌شود.

۲. نکته دیگری که در آیات هم از واژه «ارث» برایش استفاده شده است؛ زمین و هرچه روی آن است، به خدا به ارث می‌رسد و وارث نهایی، خداست. فکر نکنید وارثی غیرخدا داریم؛ انتهای تمامی ماندگاری‌ها خداست. انسان‌ها هم به اندازه‌ای که نصیب و بهره از خدا دارند، به ارث می‌برند. در همین سوره می‌گوید که بهشت به **ارث** می‌رسد و هر کس متقی است، بهشت را به ارث می‌برد (تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا - آیه ۶۳). حضرت علامه در تفسیر المیزان نکات مهمی در رابطه با این آیه گفته‌اند که خلاصه‌اش این است: همه انسان‌ها قرار بوده به بهشت بروند؛ به تعداد انسان‌هایی که به بهشت نمی‌روند، سهم آن‌ها به بقیه به ارث می‌رسد چون جایی از بهشت خالی نمی‌ماند.

۳. انبیاء الهی که خدایی، متقی و منطبق بر کتاب الهی بودند، سنت‌شان باقی ماند؛ پس انسان‌ها هم به اندازه‌ای که دنباله‌روی انبیاء باشند، باقی می‌مانند. «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ» (آیه ۵۹) بعد از انبیاء، جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کرده و از شهوت تبعیت کردند. امت انبیاء بودند، ولی باقی نماندند چون **نماز را ضایع کردند و از شهوت تبعیت کردند.**

بنابراین دو مورد است که ماندگاری را از انسان می‌گیرد:

- ضایع شدن نماز
- تبعیت از شهوت

دلیلش هم مشخص است که چرا این دوباعث از بین رفتن ماندگاری می‌شود: ماندگاری برای خدا و میرایی برای دنیاست؛ پس هرکس به خدا وصل شود (صلات) و خودش را از دنیا بکند (شهوات)، ماندگار می‌شود. از آن طرف هرچقدر رابطه اش با خدا سست شود (اضاعه صلات) و به دنبال شهوات برود، قطعاً میرا می‌شود. وقتی نماز هم گفته می‌شود منظور فقط خواندن نیست؛ نماز با همه حیثیت نماز، چون نماز فقط همان ۱۷ رکعت نیست. قرآن، نماز را توضیح داده است که ۱۷ رکعت به علاوه امانتداری، پاکدامنی، پرهیز از لغو و کار بیهوده و... است؛ آیات سوره معارج و مومنون.

در مورد شهوت هم نه اینکه شهوت از بین برود، شهوت و تمایلات مادی کار خداست. خدا ما را در دنیای مادی و با تمایلات مادی افریده است؛ ولی همان خدا به ما عقل داده که تمایلات مادی و شهوانی را کنترل کنیم؛ مثلاً گفته گشنه هستی، غذا بخور ولی یک لقمه قبل از اینکه سیر شوی، دست از غذا خوردن بکش. تعبیر حضرت علی در خطبه همام یا متقین درباره شهوت این است که شهوت برای انسان همچون مرده باشد در دست غسال؛ یعنی من شهوت را مدیریت کنم، نه او من را.

عمل به این نکته کاری ندارد، فقط مدیریت و برنامه‌ریزی می‌خواهد. اول برود ببیند نماز چیست؛ سوره مبارکه معارج و مومنون یا اگر بیشتر خواستید، آداب الصلوات و سر الصلوات امام خمینی (ره). بعد از آن تمرین کند و نمازش را ارتقا بدهد. شهوت را هم مدیریت کند؛ راهش هم این است که هر بار عمل مادی‌ای انجام می‌دهد، حواسش باشد تحت مدیریت او باشد و سر بزنگاه کنترلش کند. مثلاً خیلی دوست دارم فلان چیز را بخورم؛ اشکال ندارد، بخورید ولی دست بکشید. مثل تخمه خوردن نشود؛ شروع کردنش با خودتان است ولی تمام کردنش با خودتان نیست. شهوت هم مثل تخمه است؛ شما شروعش می‌کنید ولی تمامش نمی‌کنید.

۴. نکته دیگر سوره مبارکه مریم، آیه معروف باقیات الصالحات است که یکی از آیات کلیدی سوره است:

«وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا» (آیه ۷۶)

**باقیات الصالحات یعنی آن چیزهای باقی صالح (شایسته/درست).** باقیات الصالحات خیر است یعنی بهتر است. خداوند واژه «خیر» را خیلی استفاده می‌کند؛ مثلاً می‌گوید آخرت از دنیا، زندگی از مرگ، خوشبخت شدن از بدبخت شدن، صداقت از کذب، بقا از تمام شدن بهتر است. بهترهای خداوند بین ۵۰ و ۴۸ نیست؛ ۱۰۰ را نسبت به صفر، بهتر می‌گوید. علت اینکه خداوند با ادبیات «خیر» در مورد موضوعاتی که اینقدر اختلاف دارند، صحبت می‌کند این است که من، تو را عاقل فرض کردم. آدم عاقل اگر منافع چیزی به مضرات آن بچربد ولو مقدار کم، آن را انتخاب می‌کند؛ حالا من در مورد چیزی صحبت می‌کنم که یکی صفر و دیگری صد است و تو هم عاقل هستی، پس در انتخاب آن نباید تردید داشته باشی. باقیات صالحات باقی می‌مانند و بقیه نمی‌مانند؛ دیگر چرا تردید می‌کنی؟! اگر مدتی بگذارد که عقل احساساتتان را مدیریت کند، احساساتتان بالغ می‌شود و عاشق می‌شوید.

**احساس مبتنی بر عقل اسمش عشق است، بقیه همه شهوت هستند؛ نشان به آن نشان که با یک تب یا غصه می‌روند. ما اشتباها بر روابط مبتنی بر شهوت، اسم عشق می‌گذاریم و فیلمش را هم می‌سازیم. اگر روزی شهوت انسان خودش را به عقل سپرد، از آن گوهری به نام عشق متولد می‌شود.**

الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا، یعنی باقیات الصالحات از جهت ثواب، خیر است. ثواب، ثوب، ثياب؛ لباسی است که بر تن انسان می‌نشیند و روترین لباس اوست؛ مثل چادر یا مانتو در تن خانم‌ها یا کت بر تن آقایان یا عبای تن روحانیون. **ثواب هم به جزای عمل می‌گویند که آثار آن در انسان، نمود بیرونی پیدا می‌کند.** وقتی می‌گویند فلان کار ثواب دارد، یعنی به سرعت جامه‌ای می‌شود که بر تنت می‌رود و حسن و زیبایی‌اش را دیگران می‌بینند؛ البته که ثواب آخرتی هم دارد. باقیات الصالحات بهترین چیزی است که می‌تواند بر تن انسان بنشیند. در رابطه با باقیات صالحات مطالب زیادی تا به حال شنیده‌ام و در روایات هم بسیار از آن صحبت شده است؛ مثلاً گفته شده ساختن مسجد، کاشتن درخت، تربیت نسل، کتاب نوشتن و... ، باقیات الصالحات هستند.

سوال: فرعون هم نامش در تاریخ ماندگار شده است!

پاسخ: اینکه ذهن انسان بین مستکبرین عالم خطی درست می‌کند، فرق می‌کند؛ فرعون های جدید از گوشه گوشه عالم آمدند ولی سنت فرعون را ادامه نمی‌دادند. این فرق می‌کند با اینکه فردی سنت ابراهیم (ع) را ادامه دهد. اسم افراد مهم نیستو اسمش هم چون خدا در کتابش گفته، ماندگار شده است. خداوند نمونه بارز این را در مورد قوم ثمود می‌گوید؛ قوم ثمود بناهایی ساختند که بماند، جوری همه‌شان را از بین بردم که خانه‌هایشان ماند و وقتی مردم از آنجا رد می‌شدند، از صاحبان خانه‌ها می‌پرسیدند. چون خدا گفت، فهمیدند که این خانه‌های قوم ثمود است و اگر خدا نمی‌گفت، نمی‌فهمیدند؛ یعنی شر هم به واسطه ذکر خداوند نامش ماندگار شده است و گرنه خودش ماندگاری ندارد.

### **بهره‌مندی از کوثر، سر ماندگاری**

از باب جمع‌بندی سوره مبارکه مریم، نکته‌ای می‌گوییم که به آن فکر کنیم. سوره مریم، زوج سوره‌ی کوثر است. کوثر مقابل ابتر است و ابتر آن چیزی است که بی‌دنباله باشد؛ پس کوثر دنباله دارد. به رسول خدا (ص) گفتند برای اینکه از این کوثر بهره‌مند شوی، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. صلِّ همان صلاة است و نحر، قربانی کردن، مقابله با شهوات است. سوره مریم را اگر از منظر ماندگاری بخوانید، زوج سوره‌ی کوثر است. **سر ماندگاری این است که یک نفر بتواند رابطه خود را با خدا ارتقاء دهد و از هر چه شهوت و تعلق است رهایی یابد.**

سوال: آیا مثلاً اگر یک ورزشکار به عنوان الگو قرار می‌گیرد، باقیات الصالحات است؟

پاسخ: صالحات یعنی یک چیزی که در اوج شسته رفتگی است. اینکه ما یک کار خوب انجام دهیم و دیگران آن کار خوب را یاد بگیرند و استفاده کنند، لزوماً باقیات الصالحات نیست؛ این، اثر خوب من در نفر بعدی است که بدون اجر نمی ماند. باقیات الصالحات وقتی است که برای ماندگاری آن چیز برنامه ریزی شده و برای اینکه ماندگار شود، آن را به اوج صلاح رسانده‌ای و خیلی قشنگ و شسته رفته، از هر فساد، کمبود و نقصی خالی‌اش کرده‌ای. مثل اینکه گل را در کوره می گذارند تا ثابت و پایدار شود، باید روی عمل کاری کرد تا باقیات الصالحات شود، حتی اگر دیگران از آن تقلید کنند. همه دانشمندان عالم کارهایی کرده‌اند که دیگران از آن استفاده می کنند و حتما هم اجر می برند ولی لزوماً اسمش باقیات الصالحات نیست. عمل و سنت حسنه‌اس است که برای آن فکر و تدبیر می کنید، عوامل میرایی و فسادش را حذف می کنید، عوامل نامیرایی و صلاح را به آن اضافه می کنید، برای عوامل فسادزا در آینده‌اش فکر می کنید و چه شما باشید و چه نباشید، امتداد پیدا می کند؛ مثل وضع کردن یک سنت حسنه. خدا رحمت کن حاج آقای قرائتی را گفتند چرا در مساجد بین دو نماز، یک صفحه قرآن نمی خوانید؟ حالا در چه تعداد مسجد دارد یک صفحه قرآن خوانده می شود؛ سنت حسنه است.

## طرح سؤال مهم

دو سوال دارم که در طی این سفر مشهد به آن فکر کنید:

۱. شما برای خودتان چه باقیات الصالحاتی در نظر گرفته‌اید؟
۲. سوال مهم‌تر، امروز صدمین نشست باشگاه قرآنی نور است؛ آیا به پانصدمین نشست باشگاه هم ما می‌رسیم؟! ممکن است برگزار شود و خیلی از ما نباشیم؛ نشست هزارم که حتما نیستیم. آیا این حرکت ادامه پیدا می‌کند؟ پرچمی به نام باشگاه قرآنی نور بلند شده است که به برکت آن بزرگواران زیادی اینجا هستید، سر این سفر سوره‌های بسیاری خوانده شده است، چقدر تغییرات و برکات در زندگی افراد به وجود آمده است، چقدر دل با ما همراه شده است و به ما التماس دعا گفتند، حرکتی به برکت قرآن است؛ ۵۰-۶۰ سال دیگر ما نیستیم، آیا این حرکت ادامه پیدا می‌کند؟ چه کار باید کرد که این اتفاق بیفتد؟ چه کار کنیم که این حرکت به باقیات الصالحات تبدیل شود؟ بعد از ما چگونه این جریان زنده بماند تا انسان‌های دیگری را هم زنده کند و تمام نشود؟ ایده شما برای رسیدن از صدمین نشست به هزارمین نشست باشگاه چیست؟ (خیلی بلند فکر کنید!)

خیلی اتفاقات در عالم افتاده‌اند که تمام شدند؛ چه کار باید کرد تا یک حرکت تمام نشود؟ شاید باید انقلابی کرد و زیر و رویش کنیم و با این شکل نمی‌شود. نمی‌خواهیم بگوییم با همین شکلی که ما می‌گوییم، ماندگار شود؛ می‌پرسیم خدایا این حرکت به چه شکل باشد، ماندگار می‌شود؟! ممکن است خدا بگوید فلان کاری را که تا به حال انجام نمی‌دادید را انجام دهید یا فلان کاری را که انجام می‌دادید، دیگر انجام ندهید. ما هم می‌گوییم: «چشم» چون ما که به دنبال شهوات خودمان

نیامده‌ایم، بلکه به قصد ترک شهوات آمده‌ایم، حتی اگر شهوت معنوی باشد. ما آمده‌ایم کاری که درست است را انجام بدهیم، نه کاری که دلمان می‌خواهد.

**وجه تمایز باقیات الصالحات و کارهای خوب چیست؟**

- برای بقای آن برنامه‌ریزی شده است.
- در نهایت صلاح است.
- قطعاً نسبتی با کتاب و انبیاء الهی به طور ویژه دارد.
- حتماً در آن برای صلاة برنامه‌ریزی شده است.
- ترک/مدیریت شهوت در آن نقش ویژه دارد.
- برای انسان‌های بعد از ما (خَفْتُ الْمَوَالِي مِنْ وَّرَائِي) برنامه‌ریزی دارد.

سوال: آیا وجود پربرکت حضرت بقیه الله با این دغدغه انبیای الهی رابطه‌ای دارند؟

پاسخ: روایت می‌گوید که وجود حضرت حجت، تحقق دعای تمامی انبیا برای امتداد جریان توحید است.

**حضرت زهرا (س)، نماد ماندگاری در عالم**

در محضر حضرت علی ابن موسی الرضا، آن چیزی که خیلی رنگ و بویش احساس می‌شود و خود حضرت خیلی بر آن اهمیت داشته‌اند، نام و یاد حضرت صدیقه طاهره (س) است. حضرت فاطمه (س) امام ماندگاری در عالم هستند؛ بانویی که قبری هم ندارند، ولی تجلی ماندگاری در عالم هستند. اصلاً هرکس چون بهره‌ای از او دارد، ماندگار می‌شود. ایشان تصورات ما را در رابطه با ماندگاری بهم می‌ریزد.

ضمن اینکه در این سفر توسل ویژه‌ای به ایشان داشته باشیم، می‌خواهم ذهنتان را در مورد ماندگاری به هم بریزم. هر وقت در مورد ماندگاری حرف می‌زنیم همه به فرزند و فرزند پسر فکر می‌کنند؛ اما پیامبر (ص) با فرزند دختر، راز ماندگاری را در این عالم ایجاد کردند. یا هروقت از ماندگاری صحبت می‌کنیم، به ساخت بارگاهی فکر می‌کنیم؛ اما این بانو بارگاهی هم ندارند. ماندگاری به این چیزها نیست و باید ذهنیت‌مان را از این نگاه‌های عرفی و عامه بیرون بیاوریم. ماندگاری به تابلو زدن در مکانی نیست؛ فرعون اهرام ساخت و از او هیچ چیزی باقی نمانده است. اگر قرار بود مکان به آدم ماندگاری بدهد، فرعون بهترین آن را داشت.

حضرت زهرا نماد کسی هستند که می توانند به وسعت جغرافیا و تاریخ پخش شوند، بدون اینکه اثری از ایشان روی زمین بماند. کاری که ایشان می کنند ماندگار است. ایشان بی تردید پرچم دار ماندگاری در عالم هستند. در این سفر فرصت خوبی است برای توسل به ایشان و بردن این دغدغه و سوال جدی در رابطه با ماندگاری به محضر ایشان تا از زاویه نگاه ایشان به موضوع نگاه کنیم که واقعا ماندگاری چگونه است؟

ان شاء الله این سفر، سفری باشد که تقدیر ما و اهل ما را عوض کند، دور نیست که یک سفر به تنهایی به یک ماندگاری در عالم تبدیل شود. ان شاء الله این سفر، سفر پیوند ما با حضرت صدیقه طاهره و علی ابن موسی الرضا باشد و به طور ویژه سفری باشد که مأموریت های زندگی خود را با حضرت حجت به بقا متصل کنیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ